

نوگرایی و رویکرد حداکثری به دانش بلاغت

چکیده محتوایی

بیان مدعا (حجت الاسلام دکتر امینی): در کتب علوم بلاغی برای بلاغت در کلام، تعریفی ارائه شده است، که از گذشته تا به امروز همان تعریف در منابع بلاغی دست به دست شده و هیچگونه بازنگری را در آن مشاهده نمی‌کنیم. به نظر می‌رسد اندیشمندان حوزه بلاغت تمام تلاش خود را به این امر مصروف داشته‌اند که شاخصه‌های حداقلی بلاغت سخن را ترسیم کنند، و هر کلامی را که از دو ویژگی برخوردار باشد کلام بلیغ بنامند. به همین سبب در تعریف دانش بلاغت گفته‌اند: «ارائه سخن بگونه فصیح و مطابق با مقتضای حال مخاطب را بلاغت گویند» و هر کلامی را که برخوردار از این دو ویژگی باشد، کلام بلیغ نامیده‌اند. بر این اساس، هرگاه شرایط به گونه‌ای باشد که ما باید کلام خود را با توضیح کامل بیان کنیم و یا در موقعیتی هستیم که باید در ارائه سخن، ایجاز به خرج داده و مختصر و مفید ادا کنیم، و در این راه از کلمات فصیح استفاده کنیم، سخن ما برخوردار از وصف بلاغت است و ما می‌توانیم آن را کلام بلیغ بشماریم. اندیشمندان علوم بلاغی در ترسیم دانش بلاغت به همین اندازه اکتفا کرده و از ظرفیت بلاغت حداکثری غفلت شده است، و از سوی دیگر در تبیین شاخصه‌های بلاغت حداقلی نیز به همه جوانب توجه نشده است؛ لذا به نظر می‌رسد باید به ابعاد متعدد در حوزه بلاغت توجه شود که به آنها اشاره می‌شود: اول: تفکیک گیرندگان پیام. دوم: توجه به اقتضائات و موقعیت گیرنده پیام. سوم: توجه به اقتضائات و موقعیت ارسال‌کننده پیام. چهارم: توجه به اقتضائات و شرایط بیرونی. پنجم: استفاده از ظرفیت‌های لفظی در پیام‌های گفتاری و نوشتاری.

جهت انتقال پیام مؤثر نیازمند استفاده از ظرفیت‌های کلامی متعدد زیر می‌باشیم: الف) استفاده از ظرفیت فصاحت و آهنگ در صورت نیاز؛ ب) استفاده از ظرفیت آهنگ غیر فصیح در صورت نیاز؛ ج) استفاده از سخنان با ساختاری هماهنگ با دستور زبان مورد نظر، و دور از تعقید لفظی؛ د) بکارگیری ساختارهای متنوع کلامی متناسب با موقعیت‌ها؛ ه) استفاده از آهنگ متناسب با موضوع؛ و) استفاده از ظرفیت زیبایی‌های لفظی و معنوی؛ ز) استفاده از ظرفیت صوت و لحن در پیام‌های گفتاری؛ ح) استفاده از ظرفیت کوتاهی و بلندی صوت در پیام‌های گفتاری.

ناقد اول (حجت الاسلام بیت غانم): پیشینه تحقیق بیان نشده که لازم است نسبت به کارهای عمیق انجام شده، بررسی صورت گیرد. مسئله از قدیم الایام مورد توجه بوده و غایت بلاغت، فهم اعجاز قرآن است. توجه به اثرگذاری و زیبایی در بلاغت مهم است؛ همچنان که اندیشه و اسلوب ادبی از اسلوب‌های سه گانه فنی، ادبی و خطابی نیز مورد توجه است. دقت و لطافت که بلیغ بودن را می‌رساند، غیر از تعقید است. مطلب دیگر نیز در خصوص اشعار منسوب به ائمه علیهم السلام است که لزوماً به معنای صحت این انتساب نیست.

ناقد دوم (حجت الاسلام عشایری منفرد): این مقاله نادرستی مطالبی را نشان داد که می‌گفتند بلاغت باید به دانش نحو بازگردد. نهضت بلاغی متعلق به خطیب قزوینی است و میراث سکاکی همچنان که بسیاری چنین گمان می‌کنند، نمی‌باشد. ضرورت رعایت الزامات نگارشی و استفاده از مؤیدات قدما جهت تقریب و همدلی با موضوع. استفاده از آیات قرآنی و روایات صحیح به جای استناد به اشعار منسوب که محل مناقشه است.

مدیر کرسی (حجت الاسلام بابایی): ایشان با طرح پرسش‌های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین و جمع بندی نهایی، به حسن ختام این کرسی پرداختند.